

به مناسبت چهارمین همایش اتحاد جمهوری خواهان ایران

گرایش ضد تبعیض - جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

با درود به تمامی آزادی خواهان و مبارزان راه دمکراسی که در درازای تاریخ معاصر ایران برای حق رای مردم و حاکمیت جمهورمردم تا پای جان ایستاده اند و با تحمل زندان و شکنجه و سربلند برچوبه های دار سه رژیم دیکتاتوری قاجار، پهلوی و ولایت فقیه (جمهوری اسلامی)، هیچگاه نگذاشته اند تا شعله امید و آتش عشق به آزادی و برابری در دل مردمان سرزمین ما سرد و خاموش شود.

همایش چهارم اتحاد جمهوری خواهان ایران در گرماگرم نبرد زنان، جوانان، کارگران، کشاورزان، زحمتکشان، روشنفکران، آزاد اندیشان و تمامی کسانی که به توسعه و پیشرفت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران می اندیشند با رژیمی سرکوبگر، انحصارطلب، ناکارآمد و سراپا غرق در فساد و دروغ که هیچ نظارت و کنترل مردمی را بر نمی تابد، برگزار می گردد از این رو پژواک واقع گرایانه و انگیزاننده صدای مردم علیه دیکتاتوری حاکم در این همایش، بسهم خود می تواند گرما بخش جان های شوریده هزاران زندانی و فعالان سیاسی و باورمندان به برابری حقوق شهروندان باشد.

راه درازی که از سلول های سرد و تاریک و میدان های تیرباران تا صحن دانشگاه ها و کارخانه ها و صد ها هزاران گردهمایی و تظاهرات تحصن در داخل و خارج از کشور و اینک در خیابان های پراالتهاب و مملو از جمعیت معترض تهران با فداکاری و جانفشانی میلیون ها تن از پیشگامان آزادی طی شده است، مقصد، هدف، آرمان، کعبه آمال و آرزو و خواست های مشخص و روشنی را در دستور روز قرار داده است :

* آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی،

* متوقف ساختن فوری اعدام، تعزیر و شکنجه به پیروی از اندیشه های ایرانی مبنی بر مروت و مدارا؛

* صلح خواهی و دوری گزینی از تروریسم، جنگ طلبی و دستیابی به سلاح های هسته ای و کشتار جمعی ؛

* دفاع از استقلال و منافع ملی کشور و در پی گرفتن سیاست همزیستی مسالمت آمیز با همسایگان ایران و تمامی کشورهای جهان؛

* برخوردارشدن جامعه از آزادی ها و حقوق مدون در منشور جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد؛

- * نفی و طرد مسالمت آمیز و بدوراز خشونت دیکتاتوری حاکم با شیوه های مبارزه سرپیچی مدنی؛
 - * پذیرش کثرت گرائی درعرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، هنری و ورزشی؛
 - * آزادی برای اتحادیه ها و سندیکاها و زحمتکشان و نهادهای مدنی و مردم بنیاد درکشور؛
 - * تفکیک دو نهاد دین و حکومت از یکدیگر و لزوم دمکراتیزه شدن ساختارهای هر دو این نهادها؛
 - * برداشتن موانع مشارکت مردم در اداره امور کشورودردرجه نخست برگزاری انتخابات آزاد بدوراز نظارت استصوابی و دستبردهای شورای نگهبان وارگان های نظامی و انتظامی وشمارش درست رای مستقیم ومخفی مردم با نظارت نمایندگان احزاب، سازمان های سیاسی و نهادهای مردمی؛
 - * آزادی رسانه های خبری وآزادی بیان و تحلیل دروسائل ارتباط جمعی؛
 - * نفی هر گونه تبعیض قانونی، جنسی، مذهبی، ملی - مردمی و ایدئولوژیک در جامعه؛
 - * برقراری یک نظام قضائی وحقوقی عادلانه شهروندی بمثابه زیربنای امنیت اجتماعی.
- این فهرست کوتاهی ازحداقل خواست ها و مطالبات امروز مردم ایران است که در برنامه های جمهوری خواهان گنجانده شده است و می تواند کارپایه مبارزه مشترک همه جمهوری خواهان قرار گیرد. رسیدن باین اهداف بستگی به عزم و اراده و آگاهی ما ودر پشتیبانی از آنانیکه مشعل فروزان آزادیخواهی را بدست دارند، میسر میباشد .شانه خالی کردن از مبارزه اصولی در این مقطع حساس از زمان کاریست علیه منافع مردم. تقلیل گرائی ، تعدیل و عدم پافشاری بر این حداقل مطالبات و خواست ها به اتحاد اپوزیسیون دمکرات و جمهوری خواه لطمه می زند، جنبش سبزمعترض به نتایج "انتخابات" اخیر ریاست جمهوری رژیم را بی برنامه و در نتیجه بی آینده می سازد و راه سبز امید آقای موسوی را در این توهم غرق می کند که " مردم برای بازگشت به شعارهای سه دهه قبل در خیابان ها به اعتراض برآمده اند".
- همانگونه که سیاست " انتخاب بد بجای بدتر" به سرانجامی نرسید، بی توجهی به برنامه های جمهوری خواهان و نادیده گرفتن بخشی ازمواضع ارتجاعی و بزرگ نمائی برخی مواضع معتدل و تدوین " خط سبزموسوی" به تقلید از"خط امام"، خطوط سیاسی رابه هم می ریزد و بجزکدرساختن سیاست، سیاستی که چکیده تجربه ده ها سال مبارزه است - وعقب گرد

به گذشته و نقد حاکمیت از موضع ارتجاعی، نتیجه ای ببار نخواهد آورد.

صد ها اعتراض و هزاران مورد مقابله روزمره با افکار و سیاست های پوچ و خرافی دستگاه های تبلیغاتی - فکری و ارتجاعی رژیم که همچون جویباری به یکباره سیل خروشان جنبش حق رای و انتخابات آزاد را در کشور جاری ساخت که همچنان ادامه دارد، بر انقلاب فنی و ارتباطاتی دوده اخیر تکیه دارد. این همگامی مردم با فنون و ابزار نوین ارتباطات، درعرصه سیاست و راهکارهای اداره جامعه نیز، می بایست به مدرن ترین، مترقی ترین و دمکرات ترین افکار بشری پیوند بخورد. وظیفه بزرگ جمهوری خواهان ایجاد، گسترش و تحکیم این پیوند و حرکت بسوی آینده ای شفاف و روشن است.

تدوین و تبلیغ برنامه و هدف شفاف و روشن مردم را برای کسب آزادی وجدان و مبارزه با تبعیض مجهز می کند. دنبال روی از حوادث و وقایع، منجر به سرگردانی می شود. امروز نگاه های مستقل که دنبال اعتماد، آگاهی و آزادی مردم اند به شعار استقلال، آزادی، جمهوری ایران دوخته شده است.

مهرماه 1388

zedetabiiz@ymail.com

سایه روشن های سیاسی در بحث همراهان جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

محسن مقصودی

یکشنبه 13 سپتامبر، فرصتی پیش آمد تا در نشست پالتاکی جنبش، برخی از همراهان به ابراز نظر در مورد مسائل سیاسی جاری و حاد کشورمان پردازند و یا حداقل ابهامات شان را در قالب سئوالاتی بیان کنند. این نشست مفید آن قدر بود تا در انتهای این گردهمائی مجازی اکثریت همراهان به این گزینه برسند که می بایست این گفتگو ها برای درک و فهم روند های سیاسی در کشورمان و پیرآمون آن ،

ادامه یابد .

مهمترین موضوعی که به جوانبی از آن پرداخته شد گسترده ترین اعتراضات مردم ایران به تقلب های سنگین انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و قیام میلیونی مردم علیه دیکتاتوری حاکم بر کشور بود.

درمباحث این نشست سه موضع برجسته بود. اولین نظری که مطرح شد تاکید داشت از آنجا که بیانیه های جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک مسئله عبور از جمهوری اسلامی را مطرح می کنند، جنبش و فعالان آن تنها می توانند با کسانی و یا جریاناتی که در این لحظه تنها بر شعار سرنگونی تکیه دارند همکاری کنند و باید از کل آنچه که جنبش سبز نام گرفته فاصله بگیرند. این نظر بر آن است که فعالان جنبش جمهوری خواهی که خود را زیر پرچم سبز تعریف می کنند، با توجه به مواضع آقای موسوی و اصراروی بر اسلامی بودن حرکت و آرمان اسلام ناب محمدی، دچار تناقض هستند و عملاً روی دو صندلی نشسته اند.

موضع دومی که برخی از همراهان اگرچه با طرح سوال و یا بطور غیر مستقیم و غیر شفاف بیان کردند بر این نظرات استوار بود که جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک موضع سیاسی خاصی ندارد و یا نتوانسته این مواضع را اتخاذ کند و در صحنه سیاسی کشور موضع گم و گنگی دارد. نباید این جنبش سبز را برای منزه ماندن با تحقیر نگاه کنیم و می توانیم در آن حضور موثر داشته باشیم. ما از این تحول بزرگی که در جامعه اتفاق افتاده تا حد مطلوبی درس نگرفته ایم و در داشتن استعداد درس گرفتن از آن هم شک هست.

در کنار این دو نظر، بیشتر سخن گویان در نشست پالتاکی بر نکاتی اشاره کردند که درصورت تدقیق آن ها می توانند بیان کننده موضع عمومی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک باشد. رئوس این نظرات چنین اند:

– جنبشی که در ماه های اخیر حول مسئله آزادی انتخابات و اعتراض به تقلبات و دیکتاتوری “ولی فقیه” بوجود آمده است در راستای تلاش بزرگ مردم کشورمان برای دستیابی به حقوق شهروندی درسال های بعد از انقلاب است؛

– رژیم جمهوری اسلامی که می خواست مشروعیت خودش را از انتخابات کسب کند، با افشای تقلبات بی کران و اثبات انحصار قدرت، در نزد

عموم مردم کشور و جهان، بکلی عاری از مشروعیت و قانونیت شد؛

– شکاف عظیم و عمیقی در داخل حاکمیت و در میان اصحاب طلبان بطور جبران ناپذیری بوجود آمده است که زمینه های بسیار گسترده ای برای فروپاشی رژیم بوجود آورده است؛

– بطور بی سابقه ای توهم و فکر سازگاری اسلام سیاسی با مرم سالاری که در ذهن بسیاری از اصحاب طلبان وجود داشت فرو ریخته ، راه برای تفکر سکولار و لاییک گشوده شده است. از این رو می توان بحث های نظری مبنی بر ضرورت جدائی دین از حکومت را گسترش و ژرفا داد؛

– گستره جنبش اعتراض مردم آنقدر بزرگ است که هر شخص با آرمان های آزادی خواهی می تواند خود را درون این جنبش ببیند. بنابراین می توان به ائتلاف های جدید دست یافت.

ما از این جنبش دفاع می کنیم و بر مبنای مضمون مبارزاتی که در طی دهه های گذشته صورت گرفته است، تبلیغ آن را از وظایف خود می دانیم. ولی نباید فراموش نمود که این جنبش تنها به امید سبز آقای موسوی محدود نیست. ما برحق شهروندی سلب شده هر فرد از جمله آقایان موسوی و یا کروی تاکید می کنیم. اما دفاع از پایدوران جنبش سبز امید و اصلاح طلبان نباید به تقلیل گرائی در شعارهای ما بیانجامد. جنبش مردم کشورمان خصلتی گثرت گرا دارد و دارای رهبری واحدی نیست. اشتباه است که جنبش بزرگ آزادی خواهی مردم را که سال هاست به پایداری نهاد های مدنی دانشجویان، کارگران، زنان و احزاب و سازمان ها ادامه داشته است و برای خواست های آزادی و عدالت تا پای جان ایستاده است را با جنبش سبز اصلاح طلبان دینی یکی بنامیم. انحصارگرائی در جنبش آزادی خواهانه مردم ایران و یکدست کردن آن زیر شعارهایی همچون (سبز سبز بودن) یا (جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد) و یا (رهبری پیام محور)، زیان بارند؛

– ولایت مطلقه فقیه آشکارا تبدیل به مرکز و محور ارتجاع شده است. به همین رو است که شعار "مرگ بر دیکتاتور" به شعار محوری جنبش اعتراضی مردم تبدیل گردیده است. خواست مردم برای تامین حقوق اولیه بشر می تواند مبنائی برای ائتلاف های سیاسی قرار گیرد؛

– پایه های حکومت تا امروز هیچ گاه چنین ضعیف نبوده است. در این شرایط نیروهای سکولار و لاییک برای پیش برد جنبش ضد استبداد دینی مردم می بایست نقش موثرتری بعهده بگیرند و در کارزارهای داخل و خارج از کشور، ضد حاکمیت ارتجاع شرکت کنند واز اشکال و شیوه های

نوینی که از دل اعتراضات بدرآمده است برای ارتباط بیشتر با توده مردم و برجسته کردن صدای آزادی خواهان لاییک ، بهره ببرند.

در مورد فعالیت جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک نیز بر پایه این نظرهای سه گانه ، سه دیدگاه مطرح شدند.

دیدگاه اول معتقد است که این طرف جنبش قادر نیست حرکت های اعتراضی مردم را که می بایست رادیکالتر شوند در خود جای دهد و می بایست تنها به سازماندهی آن مجموعه ای پرداخت که در حال حاضر خواهان عبور از کل جمهوری اسلامی است و وظیفه خودش را رادیکالیزه کردن هرچه بیشتر مبارزات مردم می داند.

دیدگاه دیگر ابراز می داشت که بود و نبود جنبش در کار مبارزه مردم ایران تاثیری ندارد. جنبش را از لحاظ سازمانی عقب مانده با دیدی متفرعانه می داند که باوجود نقدش از تشکل های سنتی ، به همان مسیر می رود. ادامه این وضعیت را انزوای بیشتر جنبش می داند و راه حل را شرکت در شبکه های سبز و تلاش برای به "گروگان" گرفتن موسوی توسط مردم و از این طریق حضور موثر در جنبش ضد استبداد دینی و همگامی با نیروهای اصلاح طلب دینی در جمهوری اسلامی می بیند.

(بی شک کم کاری ها در جنبش در بستر همین باورها ریشه دارد)

دیدگاه سومی که در نشست مطرح گردید بر این واقعیت استوار است که کل جنبش آزادی خواهانه مردم ایران خصلتی کثرت گرا دارد و این امر در مورد جنبش سبز نیز صادق است و فردی نمی تواند منکر آن گردد. از این رو جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک که از روز نخست ساختاری غیر متمرکز و کثرت گرا داشته است اتفاقا مجموعه مناسبی برای تشکل آزاد باورمندان به اصول جمهوری و مردم سالاری و جدائی دین از حکومت می باشد.

آنچه مانع ارتباط جنبش با توده مردم می گردد نه شکل ساختاری آن و یا حتی کمبود امکانات فنی و مادی ، بلکه نبود اراده ، انگیزه و نیروی لازم برای آن است. این ضعف می تواند با زدن پلهائی با نیروهای جوان و با انگیزه هائی که از دل جنبش مردم بدرمی آیند برطرف شود. باید به راه و روش های نوین و ابتکاری کار سیاسی مجهز شد. با موج و نسل جدید آزادی طلبان ارتباط محکم برقرار نمود. تنها برروابط سنتی تکیه نکرد و تفاوت ها را پذیرفت تا بتوان کار مشترک را پیش برد. دیالوگ و گفتگو و کار مشترک را در پیش گرفت و

سازمان داد و از این راه ساختارتنوع پذیر جنبش جمهوری خواهی را انکشاف داد. اصول و روش های کار دمکراتیک را درارتباط با مردم بهبود داد و به تعمیم و تکمیل آن یاری نمود. این روش ها می توانند به انباشت تجربه نهاد های مدنی برای ارائه الگو های ساخت جامعه مدنی مبتنی بر حقوق شهروندی بسیار مفید واقع شوند.

از این رو تقویت و گسترش جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک در راستای تعمیق و توسعه مبارزه جمعی و دمکراتیک مردم درایران است.

جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک ایران

جلسه پالتاکی درونی

موضوع: رشد جنبش اعتراضی مردم در ایران و چگونگی فعالیت های ما در خارج

زمان: یک شنبه ۱۳ سپتامبر ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی
مدت زمان در نظر گرفته شده حداکثر تا ساعت ۲۳
طرح بحث از طرف شورای هماهنگی: اصغر اسلامی

جنبش اعتراضی مردم به سرعت مراحل ابتدائی اش را پیموده است و در حال شکوفائی است. خواسته های عمومی مردم به سرعت ارتقاء یافته است. شعار: آمده ام رای خود را پس بگیرم" به شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "رهبر حمایت می کند، دولت جنایت می کند"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر ولایت فقیه" و یا "من رای نداده ام، نیامده ام رایم را پس بگیرم، آمده ام وطنم را پس بگیرم!"، "آزادی، آزادی، جمهوری ایرانی" و ده ها شعار دیگرارتقاء پیدا کرده اند. چه باید کرد، سئوالی است که بسیاری از ما را به خود مشغول کرده است. پیوستن و یا هم آوا شدن با "جنبش سبز" و دنباله روی از موسوی و یا دیگر اصلاح طلبان درون حکومتی، بدیل: "رنگین کمان"، "همه با هم" و یا "هر کس برای خود در کنار دیگران"، بدیل "هماهنگی بین فعالین سیاسی در طیف چپ و سوسیالیستی"، بدیل "همکاری بین احزاب سیاسی دمکراتیک، مذهبی و چپ"، بدیل "هماهنگی

بین فعالیت های سیاسی نهاد های محلی موجود" و ده ها بدیل دیگر راه حل هایی است که در این جا و آنجا ارائه داده می شوند. کدام یک از این بدیل ها به اهداف و خواست های جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران نزدیک است، موضوع گفت و گوی ما در این نشست درونی است.

شورای هماهنگی جدل

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران- واحد پاریس

بیداری و ایستادگی در برابر نیرنگ

محمود احمدی نژاد که چهار سال پیش به تصمیم ولی فقیه و به یاری بدنه نظامی رژیم در انتخاباتی پادگانی به ریاست جمهوری در ایران دست یافته بود، این بار نیز کوشید با تکیه بر همان نیروها و از راه تقلب و سرقت آشکار آرای مردم در قدرت باقی بماند. کارنامه حکمرانی فاجعه بار او و دولتش در این چهار سال و نیز همه شواهد و قرائن و نظرسنجی های پیش از انتخابات، نشان از شکست او در دهمین دور انتخابات ریاست جمهوری داشت.

کارگزاران نیرنگ بزرگ انتخاباتی که می پنداشتند همه چیز را طراحی کرده اند و همچون گذشته کار خود را با نتیجه دلخواه به پایان خواهند برد، بسیاری از برگ های این بازی را خوانده بودند جز واکنش و شورش فریب خوردگان و خیانت شدگان را : مردم به ستوه آمده ای که به امید تغییرات هرچند کوچک و ناپایدار، یکبار دیگر به قواعد بازی رژیم اسلامی تن داده بودند. اما اینبار وهن نیرنگ دست پروردگان ولایت فقیه، که نخستین نشانه های آن پیش از برگزاری انتخابات با مسدود کردن راه های ارتباط جمعی و اطلاع رسانی بروز کرده بود، چندان سنگین و دور از باور مردم بود که رأی دهندگان به خشم آمده را به خیابان ها ریخت و ورق را برگرداند. شتاب ولی فقیه در به رسمیت شناختن و صحنه گذاشتن بر نتایج انتخابات رسوا، پیش از آنکه شورای نگهبان به این کار اقدام کند، شبهه ها را بیش

از پیش در باره او زدود، تا آنجا که اکنون گسیختگی و شکافی بیسابقه میان او و سردمداران اصلاح طلب رژیم و بخشی از روحانیّت پدید آمده است. رهبر و نهادهای دست نشانده و گماردگانِ او در این نیرنگ، بر اثر هوشیاری و ایستادگی مردم، به دامی که خود گسترده بودند گرفتار آمده اند. روند حوادث روزهای آینده نشان خواهد داد که جنبش اعتراضی و خروش خیابان ها تا کجا آنان و سران سپاه را به عقب نشینی وادار خواهد کرد و برای نجاتِ خود چه ترفندهائی به کار خواهند زد و تا کجا در فروخواندن خیزش حق طلبانه مردم پیش خواهند رفت.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک که همواره رژیم استبداد دینی را در تمامیّتِ آن مانع اساسی هرگونه تحوّل بنیادین به سوی دموکراسی میدانسته، در این لحظاتِ حسّاس وظیفه خود میداند:

از خواستِ برحق جنبش اعتراضی خودجوش مردم ایران برای ابطال انتخابات تقلبی دفاع کند و با امواج همبستگی با این جنبش در خارج از ایران در این راه همصدا شود.

ما خواهان برگزاری انتخابات آزاد، منطبق بر موازین شناخته شده جهانی و با نظارت بین المللی در ایران هستیم. آیا تلاش آزادیخواهان ایرانی در درون کشور و بیرون از آن خواهد

توانست در این آزمون تازه این خواستِ برحق را به خواستِ عمومی جنبش اعتراضی بدل کند؟

وظیفه ماست که در این روزها بکوشیم تا از طریق اطلاع رسانی به افکار عمومی جهانی و رسانه های همگانی تا آنجا که ممکن است مانع از آن شویم که دولت ها و دبیرکل سازمان ملل متحد نتایج دروغین انتخابات در ایران و رئیس جمهور برآمده از آنرا به رسمیت بشناسند.

نیرنگ انتخاباتی در ایران اکنون به خون بیگناهان معترض رنگین گشته، ما خواهان رسیدگی و پیگرد آمران و عاملانِ این کشتار و آزادی بیدرنگ دستگیر شدگان روزهای اخیر و توقّف فوری سرکوب و آزار تظاهرکنندگان هستیم.

ما خواهان آزادی اجتماعات و تظاهرات مخالفان دولت و رفع سانسور و محدودیت های اطلاع رسانی و آزادی روزنامه نگاران زندانی و از سرگیری کار خبرنگاران خارجی در ایران هستیم.

ما از همه مبارزان آزادیخواه و سازمان های سیاسی، تشکل ها و انجمن های هوادار دموکراسی در ایران دعوت میکنیم، صرفنظر از مواضع سیاسی خود نسبت به انتخابات اخیر در هر جا که هستند و به هر شیوه ای که میتوانند به تحقق خواست های دموکراتیک این جنبش

اعتراضی گسترده و سراسری که پایه های اختناق ولایت فقیه و نظام استبداد دینی را به لرزه درآورده یاری رسانند.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک - واحد پاریس

17 ژوئن 2009

27 خرداد 1388

نه به جمهوری اسلامی، نه به نمایش انتصابات ریاست جمهوری

نه به جمهوری اسلامی، نه به نمایش انتصابات ریاست جمهوری
در اعتراض به سرکوب توده های مردم توسط رژیم جمهوری اسلامی هم صدا شویم

در چند روز گذشته بار دیگر دامنه تجاوز به حقوق شهروندان ایرانی و توده های معترض به نحوه انتخابات فرمایشی و ضد دمکراتیک ریاست جمهوری بالا گرفت. تا کنون هشت نفر کشته، صدها نفر از جوانان این مرز و بوم مورد توهین، اذیت و آزار، پی گرد، دستگیری و شکنجه قرار گرفتند. اگر چه در این انتخابات تنها "خودی ها" تحت قیمومیت کامل "رهبری" نظام و کنترل شدید شورای نگهبان به رقابت با یکدیگر پرداختند، اما از ابتدا روشن بود که آراء عمومی مردم تا حدی مورد قبول است که تناسب مورد نظر را بر هم نزنند. با این وجود کاندیدا های مورد تائید "رهبری" از تمامی امکانات موجود، از تحمیق توده های مردم برای شرکت در انتخابات گرفته تا جعل آرا برای انتخاب و یا انتصاب خود کوتاهی نکردند.

بازنده واقعی این انتخابات توده های ملیونی مردم بودند که یا به باور خود و یا تحت تاثیر برخی از نیروهای "اپوزیسیون" می پنداشتند که تنها حضورشان در صحنه انتخابات به سود این و یا آن چهره "اصلاح طلب"، می تواند تغییراتی را به نفع مردم حادث شود و یا حداقل میان بد و بدتر، بد حاکم شود. پیروزی محمود احمدی نژاد و برون آمدن اش از صندوق رای اگر چه برای این توده ها و نیروهای "اپوزیسیون" حامی اصلاحات از درون تا حدودی غیر قابل تصور بود، اما برای کاندیدا های اصلاح طلبان حکومتی روشن بود که بدون پشتیبانی ولی "فقیه" شانس چندانی برای پیروزی در این انتخابات نخواهند داشت. حضور گسترده مردم در انتخابات تنها اهرمی بود که می شد از آن "رهبری" را یا مجبور به عقب نشینی و یا حداقل سکوت

وادار نمود، تا به طور روشن از احمدی نژاد پشتیبانی نکند. در ضمن حضور مردم برای نظام نیز نعمتی بود تا بتواند تنور انتخابات را داغ تر کند و و به جهانیان نشان دهد که هنوز از استقبال مردمی برخوردار است.

کانون دفاع از مبارزات مردم ایران در بیانیه خود به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری به طور بسیار روشن و صریح عنوان کرد که نباید در این نمایش انتخاباتی شرکت کرد. این انتخابات ضد دمکراتیک در فقدان احزاب و رسانه های مستقل، و بدور از هر نوع نظارت معتبر برگزار می شود، لذا نه دمکراتیک است و نه آزاد.

بخشی از اپوزیسیون از این تجربه سی ساله حاکمیت جمهوری اسلامی درسی نگرفت و به تشویق توده ها برای شرکت در به اصطلاح انتخابات پرداخت. اینک نیز در اعتراض به انتصاب احمدی نژاد برای دور دوم، به دولت ها و افکار عمومی جهانی پناه می برد. گویا منتظر یک دست غیبی است که فضای سیاسی ایران را به سود دمکراسی تغییر دهد.

کانون دفاع از مبارزات مردم ایران در بیانیه خود در مورد انتخابات "ضمن احترام به حق رای مردم و باور به آن که آنان به صلاحدید خود تصمیم لازم را خواهند گرفت" خود را "موظف" دید به این توهم و انتخابات "نه دیگری" بگوید.

کانون دفاع از مبارزات مردم ایران دفاع از صدها جوان پرشوری که در روزهای اخیر در اعتراضات خیابانی توسط عوامل و نیروهای رژیم دستگیر شده اند، دفاع از جنبش های دمکراتیک و مستقل زنان، دانشجویان، کارگران، اقوام و اقلیت های فرهنگی، مذهبی و جنسی که خارج از رقابت های دو جناح حکومتی در جریان است را وظیفه خود می داند و در این راه تمامی توان خود را به کار می بندد.

ما از تمامی نیروهای دمکراتیک دعوت می کنیم که در اعتراض به دستگیری های اخیر خیابانی، در اعتراض به شکنجه، کشتار و اعدام، در اعتراض به سرکوب کارگران و دستگیری ده ها کارگر در ماه های گذشته، در اعتراض به آپارتاید جنسی و سرکوب زنان، در اعتراض به زیر پا گذاشتن حقوق حقه معلمان و پرستاران، در اعتراض به سرکوب روشنفکران، دانش جویان و دگراندیشان، در اعتراض به سرکوب اقلیت های قومی، ملی، فرهنگی و مذهبی، در اعتراض به برگزاری انتخابات غیر آزاد و غیر دمکراتیک ریاست جمهوری و در دفاع از حقوق تمامی مردم در حرکت های اعتراضی که در روز های آینده، چه از طرف ما و چه از طرف نیروهای مترقی و دمکراتیک انجام می گیرد شرکت فعال نموده و از مبارزات مردم به پا خاسته ایران حمایت کنید. تنها با حرکت های عمومی و اعتراضی می توان رژیم جمهوری اسلامی را مجبور به عقب نشینی نمود و فضای سیاسی را به سود مردم تغییر داد. نشست ها و اکسیون های بعدی متعاقبا به آگاهی هم میهنان خواهد رسید.

اکسیون اعتراضی ما روز جمعه 19 یونی ساعت 17 در مرکز شهر بین "Bahnhof" و "Kaufhof"

و روز یشنبه 20 یونی ساعت 13 در برابر مجسمه شیلر بین "Karstadt"

و " C&A " برگزار میشود
کانون همبستگی با مبارزات مردم ایران - هانوفر

تحریم انتخابات و برنامه بعد از تحریم

سخنرانی
پرسش و پاسخ
سخنرانان:

خانم ژاله وفا : مجامع اسلامی ایرانیان
آقای منوچهر صالحی : پژوهشگر و کوشنده سیاسی
آقای پرویز نویدی : اتحاد فدائیان خلق ایران

شروع جلسه : ساعت/30- 19 شنبه 6 ژوئن 2009 برابر با 16 خرداد 88

آدرس جلسه :

A.G.E.C.A 177 RUE de CHARONN PARIS 11

مترو ALEXANDRE DUMAS

دعوت کننده : مجامع اسلامی ایرانیان